

نقش انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند در تبیین حرمت خوددانش‌آموزان

عباسعلی حسین‌خانزاده* و فرشته میرزایی کوتنایی**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند در تبیین حرمت خود دانش‌آموزان انجام شد. طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. جامعه آماری تمامی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم مشغول به تحصیل در دبستان‌های دولتی شهر ساری در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ بودند که تعداد ۲۵۴ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه انسجام خانواده سامانی، رابطه ولی-فرزندی فاین و پرسشنامه حرمت خود پوپ استفاده شد. نتایج تحلیل همبستگی حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین انسجام خانواده ($r = 0/44$, $p < 0/001$) و تعامل والد-فرزند ($r = 0/71$, $p < 0/001$) و ابعاد آن با حرمت خود دانش‌آموزان بود. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند می‌توانند ۵۲ درصد حرمت خود دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند. بنابراین، لازم است والدین از تأثیرات چشمگیر انسجام خانواده و تعامل مطلوب و سازنده خود بر سلامت روانی و شخصیتی فرزندان آگاهی یابند تا از بروز بسیاری از پیامدهای منفی کاهش حرمت خود آن‌ها پیشگیری به عمل آورند.

کلیدواژه‌ها: انسجام خانواده، تعامل والد-فرزند، حرمت خود دانش‌آموزان

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. abbaskhanzade@gmail.com

** کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

مقدمه

یکی از عوامل مؤثر بر سلامت و بهزیستی روان‌شناختی فرد، کیفیت عملکرد سیستم خانواده است. در این بین روابط و تعاملات حاکم بر اعضا و ریزسیستم‌های خانواده از اهمیت خاصی بهره‌مند است (جانسون، کنت و لیاسر^۱، ۲۰۰۵) به این دلیل که کیفیت این روابط پایه و اساس تشکیل شایستگی، دوست‌داشتنی بودن، پاسخ‌گو و همدل بودن فرزندان است (پی^۲، ۲۰۱۱). حرمت خود^۳ از اساسی‌ترین عوامل در تحول مطلوب شخصیت کودکان به حساب می‌آید که به بازخورد دریافت شده از افراد مهم زندگی فرد بستگی دارد و بر اساس آن، کودکان برای خصوصیات خود، ارزش منفی یا مثبت قائل می‌شوند (راجکومار^۴، ۲۰۱۴). کولی^۵ (جامعه‌شناس)، چنین می‌نویسد: «نگرش ما از خود مانند آینه‌ایست که ارزیابی‌های تصویری دیگران نسبت به ما را منعکس می‌کند» (نقل از راهجویان، ۱۳۹۲). از این رو نفوذ والدین تنها در جنبه‌ارثی خلاصه نمی‌شود و انتخاب سبک تعاملی مناسب و افزایش انسجام خانوادگی می‌تواند در شکل‌گیری حرمت‌خود فرزندان تأثیر مهمی داشته باشد.

راجرز^۶ حرمت‌خود را ارزیابی مداوم شخص از ارزشمندی خویش‌تن خود یا نوعی قضاوت نسبت به ارزشمندی وجودی خود تعریف کرده است. او معتقد است این صفت در انسان حالت عمومی دارد و محدود و زودگذر نیست و در اثر نیاز به توجه مثبت دیگران به وجود می‌آید (نقل از شاملو، ۱۳۹۲). آلپورت و راجرز، رفتارهای والدین را از عناصر عمده و اساسی در شکل‌گیری حرمت‌خود دانسته و معتقد هستند، چنان‌چه رفتار و سیمای والدین گرم و صمیمی و تأییدکننده باشد و تصویر صحیحی از هویت فرزندان‌شان ارائه دهد، کودک از حرمت‌خود، جرأت و شهامت بالا بهره‌مند شده و انگیزه‌های کنجکاوانه خود را به گونه‌های مختلف و به‌طور طبیعی ارضاء خواهد کرد. در مقابل طرد، عدم محبت، بی‌تفاوتی والدین، عدم مشارکت آن‌ها در تکالیف و کارهای فرزندان، جدی نگرفتن، توجه به نکات منفی، گوش

-
1. Gohnson, Kent & Leather
 2. Pei
 3. Self- Esteem
 4. Rajkumar
 5. Cooley
 6. Rogers

ندادن، عدم احترام، تحقیر، تمسخر، سرزنش، تهدید، مقایسه، انتظار بیش از حد، بدرفتاری با فرزند (موگونا^۱، ۲۰۱۴)، عدم وجود گرمای والدین (ارتباط محدود) و کنترل بیش از حد (کمبود استقلال) (برون و ریان^۲، ۲۰۰۳) با حرمت خود پایین همراه است.

چنانچه رفتار والدین نامنظم و سرشار از جنبه‌های تعارض‌آمیز باشد و کودک دائماً طرد شده و تمسخر شود و نگرش و انتظارات منفی نسبت به او وارد شود، از آنجا که کودکان این‌گونه رفتار والدین را بر اساس مکانیزم درون‌فکنی، درونی و جزء خصیصه‌های شخصی خود می‌کنند، در نتیجه از حرمت خود پایین بهره‌مند خواهند شد و انگیزه‌های کنجکاوانه و خلأقیّت آن‌ها سرکوب شده و احساس حقارت که می‌تواند سرمنشاء بسیاری از ناسازش‌یافتگی‌های عاطفی- اجتماعی باشد، جایگزین آن می‌شود (هنرپروران، ۱۳۸۶؛ به نقل از چراغی و رفاهی، ۱۳۸۸).

به طوری که حرمت خود پایین با عواقب منفی چون رفتارهای ضداجتماعی و بزهکاری (ترکاشوند، کرمانشاهی و آزادفلاح، ۲۰۱۱)، افت تحصیلی (پیکسوتو و آلمیدا^۳، ۲۰۱۰)، پرخاشگری (فالکنبچ، هو و فالکی^۴، ۲۰۱۳) و خودکشی (ویلدا، فلیشر و لومبارد^۵، ۲۰۰۴) مرتبط است.

در شکل‌گیری حرمت خود، تجربه‌های کودک در دوران کودکی، کنار والدین و اعضای خانواده، با توجه به نوع نگرش و رفتاری که نسبت به او دارند، نقش جالب‌توجهی ایفا می‌کند. تعامل والد-فرزند یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت، صمیمیت و عشق است (کارنس هولت^۶، ۲۰۱۲) که به رابطه قوی و مؤثر، درک و پذیرش متقابل بین والدین و فرزندان و برآوردن نیازهای واقعی فرزندان اشاره دارد (رونسان^۷ و همکاران، ۲۰۱۲). بسیاری از والدین در زمان و فضای مشترک با کودکانشان به سر می‌برند، اما با احساسات و نیازهای کودک خود بیگانه هستند (داورپناه، ۱۳۹۰؛ به نقل از امیری، حسن‌آبادی، اصغری نکاح و طیبی، ۱۳۹۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در تعامل والدین- فرزندان دو مسأله مهم وجود دارد: پذیرش فرزندان از سوی والدین و مهارگری فرزندان توسط والدین. به نظر می‌رسد که از بین این دو

1. Mogoneaa
2. Brown & Ryan
3. Peixoto & Almeida
4. Falkenbach, Howe & Falki
5. Wild, Flisher & Lombard
6. Carnes-Holt
7. Runcan

عامل، پذیرش (یا گرما) از سوی والدین مهم‌تر باشد (بیابانگرد، ۱۳۸۵؛ به نقل از حسین‌خانزاده، طاهر، سیدنوری، یحیی‌زاده و عیسی‌پور، ۱۳۹۲). در نظریه پذیرش-طرده والدین^۱ نیز، گرما و عاطفه اساسی‌ترین نیاز فیزیولوژیکی کودک است که از افراد مهم زندگی خود (پدر و مادر) دریافت می‌کند. اگر این نیاز برآورده نشود به مشکلاتی در رشد شخصیت و روان کودک منجر می‌شود. به طوری که کودکی که مورد پذیرش والدین واقع می‌شود، با احتمال بیشتری نسبت به کودکی که با عدم پذیرش (طرده) و سهل‌انگاری والدین مواجه می‌شود از حرمت خود بالاتری بهره‌مند است (انصاری و قریشی^۲، ۲۰۱۳).

در این خصوص، برخی پژوهشگران از جمله فلسون رید (۱۹۸۶)، چکاس و شوالبی (۱۹۸۶)، گرتونت و کوپر (۱۹۸۶)، هارتر (۱۹۸۳)، آیزنگ (۱۹۸۶) و لاوی (۱۹۷۴)، نقش خانواده در افزایش حرمت خود را بررسی کرده‌اند. آن‌ها معتقد هستند از جمله رفتارهای والدین که به طور مستقیم با حرمت خود بالا و منبع کنترل درونی کودک ارتباط دارد، عبارت از: (۱) محبت؛ (۲) تقویت غیرمشروط؛ (۳) بیان انتظارات به شکل غیرمستقیم؛ (۴) رفتارها و اظهارنظرهای انعطاف‌پذیر؛ (۵) تشویق رفتار مستقل کودک؛ (۶) شرکت دادن کودک در تصمیم‌گیری؛ (۷) تربیت انعطاف‌پذیر؛ (۸) اجتناب از شدت عمل است. پژوهشگران در این زمینه هم عقیده‌اند که برای پرورش حرمت خود در کودکان، باید در رفتار والدین، ابعاد محبت و کنترل وجود داشته باشد (پوپ، ۱۹۸۸؛ ترجمه تجلی، ۱۳۹۱). اورلوف (۱۹۹۶) نیز دو نوع خانواده را در ارتباط با تعامل والد-فرزند توصیف کرده است: خانواده فردمحور و خانواده اجتماعی‌محور. خانواده فردمحور به وسیله سطوح بالای توجه به شخصیت کودک و دنیای درونی او، احترام به نیازها و ارزش او و همچنین پذیرش بی‌قید و شرط فردیت او مشخص می‌شود. در مقابل، خانواده اجتماعی‌محور به وسیله احتمال بالای غفلت به نیازها و ارزش‌های کودک، روابط دوپهلوی (دوسوگرا) و پذیرش کودک تنها در صورت همگام بودن با خواسته‌های والدین شناخته می‌شود. در خانواده‌های اجتماعی‌محور مهم‌ترین نگرانی نقش‌های اجتماعی هر کودک در خانواده است. بنابراین، والدین یکی از عوامل خطر ساز در پیشرفت حرمت خود پایین کودکان محسوب می‌شوند (پوپو و ایلسانمی^۳، ۲۰۱۵).

-
1. Parental Acceptance-Rejection Theory (PART)
 2. Ansari & Qureshi
 3. Popov & Ilesanmi

در شکل‌گیری حرمت‌خود، همچنین انسجام و نحوه تعامل اعضای خانواده نقش جالب‌توجهی ایفا می‌کند. خانواده منسجم، توسط جوّ خانوادگی حمایتی و تفاهم و درک اعضای آن شناخته می‌شوند، که اعضای آن تمایل به درک و کمک برای برطرف کردن نیازها و دغدغه‌های افراد خانواده دارند (نظیر^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). در چنین خانواده‌هایی، پشتیبانی و درک متقابل بین اعضای خانواده وجود دارد (لیان و یوسوف^۲، ۲۰۰۹)، روابط والدین با یکدیگر به صورت حسنه است، اعضای خانواده نیازها و نگرانی‌های خود را آزادانه بیان می‌کنند، حاضر به مذاکره برای حل مشکلات همدیگر هستند، نسبت به مسائل همدیگر نگران هستند و درگیری کم‌تری بین اعضا رخ می‌دهد (هیمن، زینک و هیس^۳، ۲۰۰۸). بدیهی است که در چنین محیطی هنگامی که کودکان و نوجوانان تقدیر و احترام مثبت از والدین دریافت می‌کنند، به ساخت مفهوم مثبتی از خود قادر می‌شوند. بنابراین، می‌توان آن را یک عامل محافظ قوی برای مفهوم خود مثبت کودکان، شاید حتی در طولانی مدت دانست (هیون و سیاروچی^۴، ۲۰۰۸). در مقابل تعامل خانوادگی ناکارآمد، حرمت‌خود کودکان را تضعیف می‌کند (کرونر-هرویگ، مس و ریکلینگ^۵، ۲۰۱۴). در این راستا، یافته‌های پژوهش اسپسیگو و دل آگلیو^۶ (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که وجود انسجام، کاهش تعارض و پشتیبانی خانواده باعث افزایش سازش‌یافتگی روانی فرزندان، مانند افزایش حرمت‌خود، خودکارآمدی و خودارزشی می‌شود. یافته‌های پژوهش وایت، شلتون و الگار^۷ (۲۰۱۴) نیز در میان ۱۶۰۰ نوجوان دختر نشان داد که انسجام خانواده اثر جالب‌توجهی بر سلامت روانی نوجوانان از جمله افزایش ارزش‌خود، اعتماد به نفس، کاهش اضطراب، افسردگی و اختلال خوردن دارد.

مطالعات متعددی در داخل و خارج از کشور ارتباط انسجام خانواده و تعامل والد- فرزند را با حرمت‌خود فرزندان بررسی کرده‌اند. نتایج این یافته‌ها بیان‌کننده آن است که سطوح متعادل انسجام خانواده و تعامل مناسب والدین با فرزندان با حرمت‌خود بالا آن‌ها همراه است

-
1. Nazir
 2. Lian & yusooff
 3. Heiman, Zinck & Heath
 4. Heaven & Ciarrochi
 5. Kroner-Herwig, Maas & Reckling
 6. Sbicigo & Dell'Aglio
 7. White, Shelton & Elgar

(دنيس، باسانز و فرهمند^۱، ۲۰۱۰؛ رضایی و چراغی، ۱۳۹۰؛ هافمن^۲، ۲۰۱۱؛ آنایلی و اردور-باکر^۳، ۲۰۱۳؛ سلطانی، میرشاه جعفری، شیرانی و اربابی سرجو، ۲۰۱۳). در همین راستا طاهری (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان داد که کیفیت تعامل والد-فرزند با حرمت خود فرزندان رابطه مثبت و معناداری دارد و پیش‌بینی‌کننده مثبت آن است. یافته‌های پژوهش همچنین بیان‌کننده آن است که هر چه سازش‌یافتگی زناشویی والدین که یکی از ابعاد انسجام خانواده است، بالاتر باشد، کیفیت تعامل والد-فرزندی در فرزندان بالاتر می‌رود و به دنبال آن حرمت خود فرزندان نیز افزایش می‌یابد. نتایج مطالعات تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۹۰) در همین زمینه، حاکی از آن است که مشارکت والدین در فعالیت‌های مورد علاقه فرزندان، دادن آزادی و حق تصمیم‌گیری به فرزند، گرمی والدین از طریق ابراز عشق، محبت، علاقه و رضایت نسبت به فرزندان با حرمت خود کلی دانش‌آموزان و ابعاد آن (حرمت خود فردی، اجتماعی، تحصیلی و خانوادگی) رابطه مثبت و معنادار دارد و همچنین حرمت خود فردی، تحصیلی، خانوادگی و حرمت خود کلی دانش‌آموزان را به طور مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند. در همین خصوص لیدی، گورا و تورو^۴ (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان دادند که تعامل مثبت پدر و مادر همراه با پذیرش کودک و حمایت و پشتیبانی والدین از کودک و همچنین انسجام خانواده، به افزایش حرمت خود منجر می‌شود. نتایج تحلیل رگرسیون نیز حاکی از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی تعامل مثبت والد-فرزند و انسجام خانواده نسبت به حرمت خود فرزندان است.

بنابراین، با توجه به نقش مهم محیط اولیه رشد کودک، بالاختص خانواده و الگوهای ارتباطی حاکم بر آن و پیامدهای نامطلوب ضعف حرمت خود در حال و آینده و وجود خلاء پژوهشی در این زمینه، مانند تمرکز بیشتر بر پسران در مقایسه با دختران، تمرکز بیشتر بر سبک‌های فرزندپروری در مقایسه با تعامل والد-فرزند، محدود بودن تحقیقات در این زمینه و در این سنین، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌دهی به این مسأله اساسی بود که آیا بین انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند با حرمت خود دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟ آیا انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند می‌تواند حرمت خود دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند؟ بدین ترتیب

-
1. Denis, Basanez & Farahmand
 2. Hoffman
 3. Onayli & Erdur-Baker
 4. Leidy, Guerra & Toro

فرضیه‌های پژوهش بدین صورت بیان شد که ۱- بین انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند با حرمت خود فرزندان و ابعاد آن رابطه وجود دارد؛ ۲- حرمت خود فرزندان را می‌توان از روی انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند به‌طور معناداری پیش‌بینی کرد. به امید آن که بتواند با دادن آگاهی به والدین و خانواده‌ها در زمینه تأمین سلامت و بهداشت روانی کودکان، راهگشای بهبود ارتباط والدین و فرزندان، افزایش انسجام خانواده و افزایش حرمت خود کودکان باشد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- مقطعی با روش همبستگی بود. این مطالعه در جامعه پژوهشی دانش‌آموزان دختر دبستان‌های دولتی مناطق دوگانه شهر ساری در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ انجام شد. از جامعه فوق نمونه‌ای به حجم ۲۸۵ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که، ابتدا مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش کل شهر ساری و مناطق ۱ و ۲ کسب شد. پس از طی کردن مراحل اداری و دریافت آمار کل دبستان‌های دخترانه، ابتدا شهر ساری به ۵ منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تقسیم شد. در مرحله بعد سه منطقه به‌طور تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر یک از مناطق انتخاب شده، یک مدرسه دخترانه به تصادف انتخاب شد. در نهایت تمامی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم مدارس منتخب بر حسب شرایط ورود به پژوهش مانند نداشتن مشکلات روان‌پزشکی و همچنین زندگی با هر دو والد انتخاب شدند. پس از اعلام رضایت مدیران و همکاری معلمان پرسشنامه‌ها در بین ۳۰۷ دانش‌آموز از ۱۳ کلاس انتخاب شده، در ابتدای شروع کلاس، پس از ارائه توضیحات لازم در زمینه هدف طرح، اهمیت مشارکت آن‌ها در پژوهش و با اطمینان دادن به آن‌ها از محرمانه بودن پاسخ‌ها در میان دانش‌آموزان توزیع شد. از نمونه فوق خواسته شد، با حفظ فاصله لازم، به ابزارهای این پژوهش به‌صورت فردی و بر حسب شرایط واقعی خودشان و با صداقت پاسخ دهند. سؤالات مربوط به پرسشنامه‌های حرمت خود آلیس پوپ، مقیاس رابطه ولی- فرزندی (فاین، مورلند و اندروشوبل) و پرسشنامه انسجام خانوادگی برای دانش‌آموزان قرائت شد تا محقق مطمئن شود که کودکان مفهوم سؤالات را درک کرده‌اند. از نمونه فوق ۲۵۴ نفر به‌صورت کامل به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. به منظور سنجش انسجام خانواده از پرسشنامه انسجام خانواده سامانی (۱۳۸۱) استفاده شد.

سامانی (۱۳۸۱) این پرسشنامه را بر اساس مجموعه‌ای از متون موجود در باب همبستگی و با اقتباس از مدل ترکیبی السون (۱۹۹۹) تهیه کرده است. این آزمون دارای ۲۸ گویه است و در مقابل هر گویه طیف لیکرتی (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) وجود دارد. برای هر گویه نمره‌ای از ۱ (برای کاملاً موافقم) تا ۵ (برای کاملاً مخالفم) در نظر گرفته شده است. حداکثر نمره قابل اکتساب در این آزمون ۱۴۰ و حداقل ۲۸ بود. مطالعه مقدماتی رضویه و سامانی (۱۳۷۹) در خصوص این مقیاس بر اساس ۸ عامل (همبستگی با پدر، مادر، مدت تعامل، مکان، تصمیم‌گیری، ارتباط عاطفی، روابط زناشویی و رابطه والدین با فرزندان)، حاکی از کفایت این مقیاس برای ارزیابی همبستگی فرد با والدین بود. ضریب آلفا ۰/۹۰ و ضریب پایایی برای کل مقیاس ۰/۷۹ گزارش شده است (سامانی، ۱۳۸۱). در پژوهش حاضر نیز برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن ۰/۶۰ به دست آمد. برای بررسی حرمت‌خود از پرسشنامه حرمت‌خود (پوپ و مک هیل، ۱۹۸۸) استفاده شد. مقیاس حرمت‌خود پوپ یک مقیاس خودگزارشی ۶۰ ماده‌ای است که به منظور اندازه‌گیری حرمت‌خود پرورش یافته است. پوپ و مک هیل (۱۹۸۸) همسانی درونی این مقیاس را ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند. یافته‌های پژوهش تجلی (۱۳۷۵) که به منظور هنجاریابی مقیاس در گروه دانش‌آموزان دوره‌های تحصیلی متفاوت شهر تهران انجام شد، روایی عاملی و همگرایی مقیاس را تأیید کرده است. در پژوهش حاضر به منظور تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد.

در پژوهش حاضر برای سنجش تعامل والد-فرزند از پرسشنامه رابطه والد-فرزند فاین، ارمورلند، و اندروشویل^۱ (۱۹۸۳) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۴۸ سؤال (۲۴ سؤال برای رابطه با پدر و ۲۴ سؤال برای رابطه با مادر) است که دو صورت دارد، یکی برای سنجیدن رابطه فرزند با مادر و یکی هم برای سنجیدن رابطه فرزند با پدر. هر دو فرم مقیاس یکسان است، به جز اینکه کلمه «پدر» و «مادر» عوض می‌شوند. با این حال عوامل مختلف در فرم‌های مربوط به پدر و مادر بارز شده است. این عوامل برای پرسشنامه پدر عبارت هستند از: عاطفه مثبت^۲، آمیزش پدرانه، ارتباط یا گفت‌وگوشنود و خشم؛ و برای پرسشنامه مادر عبارت هستند از:

1. Fine, Moreland & Schwbel
2. Positve affect

عاطفه مثبت، آزرده‌گی / سردرگمی نقش، همانندسازی، ارتباط یا گفت‌وشنود. نمره کل عبارت از جمع میانگین‌های خرده مقیاس‌ها است. مقیاس تعامل ولی- فرزند با ضریب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶، از هماهنگی درونی عالی سوالات بهره‌مند است. روایی مقیاس تعامل ولی- فرزند از گروه‌های شناخته شده و روایی پیش‌بین خوب بهره‌مند است و فرزندان خانواده‌های طلاق و یکپارچه را به‌طور معناداری از هم متمایز می‌کند (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر نیز برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار ضرایب آلفا برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر ۰/۷۹ تا ۰/۹۱ و ضرایب آلفا ۰/۶۱ تا ۰/۹۱ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز ضریب آلفای ۰/۹۲ برای رابطه کلی والدین به‌دست آمد.

یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش اعم از کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار گزارش شده‌اند. همچنین برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون چولگی و کشیدگی استفاده شد که این شاخص‌ها در جدول ۱ گزارش شده‌اند.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
حرمت خود	۳۴	۱۰۲	۷۵/۷۵	۱۳/۸۳	-۰/۴۹	۰/۰۶
انسجام خانواده	۶۳	۱۱۳	۹۳/۳۴	۹/۳۵	-۰/۳۶	۰/۱۲
عاطفه مثبت پدر	۱۵	۶۳	۵۱/۸۹	۱۱/۲۴	-۰/۲۷	۰/۱۴
آمیزش پدرانه	۱۰	۴۲	۲۹/۲۹	۸/۰۶	-۰/۲۹	-۰/۶۰
گفت و شنود پدر	۵	۳۵	۲۱/۸۹	۷/۵۷	-۰/۱۷	-۰/۸۲
خشم	۱	۷	۴/۷۴	۱/۹۷	-۰/۳۸	-۰/۱۰
عاطفه مثبت مادر	۳۶	۱۰۵	۸۹/۳۱	۱۵/۳۸	-۰/۴۵	۰/۸۹
آزرده‌گی	۴	۱۴	۹/۷۸	۳/۲۳	-۰/۱۴	-۰/۱۱
همانندسازی	۵	۲۱	۱۵/۸۷	۴/۵۳	-۰/۶۹	-۰/۵۱
گفت و شنود مادر	۱۷	۴۹	۳۸/۰۱	۸/۳۷	-۰/۶۶	-۰/۲۵

با توجه به جدول ۱، قدر مطلق چولگی و کشیدگی برای تمامی متغیرها کم‌تر از ۱ است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع متغیرها نرمال است و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک مانند ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده کرد. برای بررسی رابطه انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند با حرمت خود دانش‌آموزان از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شد. در جدول ۲ ماتریس همبستگی رابطه بین انسجام خانواده، تعامل والد - فرزند و حرمت خود گزارش شده‌اند.

جدول ۲: ماتریس همبستگی رابطه بین انسجام خانواده، تعامل والد - فرزند و حرمت خود

شماره	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	انسجام خانواده										
۲	عاطفه مثبت پدر	۰/۴۱**									
۳	آمیزش پدران	۰/۳۹**	۰/۶۲**								
۴	گفت و شنود پدر	۰/۳۸**	۰/۶۷**	۰/۶۵**							
۵	خشم	۰/۲۲**	۰/۳۸**	۰/۳۹**	۰/۳۹**						
۶	عاطفه مثبت مادر	۰/۴۵**	۰/۵۰**	۰/۳۹**	۰/۳۴**	۰/۲۲**					
۷	آزردگی	۰/۱۲*	۰/۱۸**	۰/۳۳**	۰/۲۱**	۰/۱۰	۰/۳۵**				
۸	هماندسازی	۰/۳۷**	۰/۴۸**	۰/۴۲**	۰/۳۶**	۰/۲۷**	۰/۶۶**	۰/۳۹**			
۹	گفت و شنود مادر	۰/۴۷**	۰/۴۳**	۰/۳۷**	۰/۳۷**	۰/۲۸**	۰/۶۷**	۰/۲۷**	۰/۵۶**		
۱۰	حرمت خود	۰/۴۴**	۰/۵۸**	۰/۶۲**	۰/۵۹**	۰/۳۷**	۰/۵۴**	۰/۳۰**	۰/۴۹**	۰/۵۳**	

$P < 0.05$ * $P < 0.01$ **

با توجه به جدول ۲ رابطه انسجام خانواده ($r = 0.44$)، عاطفه مثبت پدر ($r = 0.58$)، آمیزش پدران ($r = 0.62$)، گفت و شنود پدر ($r = 0.59$)، خشم ($r = 0.37$)، عاطفه مثبت مادر ($r = 0.54$)، آزردگی ($r = 0.30$)، همانندسازی ($r = 0.49$) و گفت و شنود مادر ($r = 0.53$) با حرمت خود دانش‌آموزان مثبت و در سطح 0.01 معنادار است. با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت که با افزایش انسجام خانواده، عاطفه مثبت پدر، آمیزش پدران، گفت و شنود پدر، خشم پدر، عاطفه مثبت مادر، آزردگی مادر، همانندسازی مادر و گفت و شنود مادر میزان حرمت خود دانش‌آموزان افزایش می‌یابد و برعکس با کاهش این متغیرها، میزان حرمت خود

دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.

برای پیش‌بینی حرمت خود دانش‌آموزان از روی انسجام خانواده و مؤلفه‌های تعامل والد- فرزند، از رگرسیون چندگانه به صورت گام به گام استفاده شد. که در گام اول آمیزش پدران، در گام دوم عاطفه مثبت مادر، گام سوم انسجام خانواده و گام چهارم خشم پدر وارد معادله شده و معناداری خود را در طی این چهار گام حفظ کردند. بقیه متغیرها چون به سطح معناداری نرسیدند از معادله حذف شدند. در جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون گزارش شده است.

جدول ۳: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون حرمت خود بر

متغیرهای پیش بین

گام	مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	p	R	R ²	ΔR ²
۱	رگرسیون باقیمانده	۱۸۹۷۱/۸۳	۱	۱۸۹۷۱/۸۳	۱۶۲/۳۳	۰/۰۰۱	۰/۶۲	۰/۳۹	۰/۳۹
۲	رگرسیون باقیمانده	۲۴۲۴۹/۸۱	۲	۱۲۱۲۴/۹۰	۱۲۵/۹۰	۰/۰۰۱	۰/۷۰	۰/۵۰	۰/۱۱
۳	رگرسیون باقیمانده	۲۴۸۶۷/۴۸	۳	۸۲۸۹/۱۶	۹۷/۸۷	۰/۰۰۱	۰/۷۱	۰/۵۱	۰/۰۱
۴	رگرسیون باقیمانده	۲۵۴۰۷/۴۶	۴	۶۳۵۱/۸۶	۶۸/۷۲	۰/۰۰۱	۰/۷۲	۰/۵۲	۰/۰۱

گام (۱) متغیر پیش‌بین: آمیزش پدران.

گام (۲) متغیر پیش‌بین: آمیزش پدران، عاطفه مثبت مادر.

گام (۳) متغیر پیش‌بین: آمیزش پدران، عاطفه مثبت مادر، انسجام خانواده.

گام (۴) متغیر پیش‌بین: آمیزش پدران، عاطفه مثبت مادر، انسجام خانواده، خشم پدر.

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۳ می‌توان نتیجه گرفت در تبیین حرمت خود از روی متغیرهای پیش‌بین، مجموع متغیرهای پیش‌بین $R^2 = ۰/۵۲$ از واریانس متغیر ملاک را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند؛ یعنی متغیرهای پیش‌بین ۵۲ درصد نمره حرمت خود را تبیین می‌کنند. آمیزش پدران ۳۹ درصد، عاطفه مثبت مادر ۱۱ درصد، انسجام خانواده ۱ درصد و خشم پدر نیز

۱ درصد از تغییرات حرمت خود را پیش‌بینی می‌کنند. میزان F مشاهده شده برای متغیرهای پیش‌بین در سطح $0/001$ معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که این چهار متغیر به صورت معناداری قادر به پیش‌بینی حرمت خود هستند. در جدول ۴ نیز ضرایب رگرسیون استاندارد نشده و استاندارد شده و بررسی معناداری این ضرایب گزارش شده است.

جدول ۴: ضرایب رگرسیون گام به گام حرمت خود روی متغیرهای پیش‌بین

شاخص‌ها متغیرها	B	خطای استاندارد b	β	t	معناداری
عدد ثابت (a)	۴۴/۲۸	۲/۵۶		۱۷/۲۸	۰/۰۰۱
آمیزش پدرانه	۰/۷۰	۰/۰۸	۰/۴۱	۷/۹۶	۰/۰۰۱
عاطفه مثبت مادر	۰/۲۷	۰/۰۴	۰/۳۰	۵/۹۹	۰/۰۰۱
انسجام خانواده	۰/۱۸	۰/۰۷	۰/۱۲	۲/۴۴	۰/۰۲
خشم پدر	۰/۸۱	۰/۳۳	۰/۱۱	۲/۴۱	۰/۰۲

با توجه به جدول ۴ اثر آمیزش پدرانه ($\beta = 0/41$) و عاطفه مثبت مادر ($\beta = 0/30$) بر حرمت خود دانش‌آموزان مثبت و در سطح $0/001$ معنادار است. اثر انسجام خانواده ($\beta = 0/12$) و خشم پدر ($\beta = 0/11$) بر این متغیر مثبت و در سطح $0/05$ معنادار است. با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت که با افزایش آمیزش پدرانه، عاطفه مثبت مادر، انسجام خانواده و خشم پدر، میزان حرمت خود دانش‌آموزان افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر ارتباط انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند با حرمت خود فرزندان و تعیین سهم انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند در پیش‌بینی حرمت خود فرزندان در میان دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر ساری بود. نتایج یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از همبستگی مثبت و معنادار انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند با حرمت خود فرزندان بودند. بنابراین، یافته‌ها از اولین فرضیه پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند با حرمت خود فرزندان حمایت کردند. این یافته‌ها با نتایج بسیاری از پژوهش‌های

خارجی و داخلی از جمله (دنيس، باسانز و فرهمند، ۲۰۱۰؛ اسپيسگو و دل آگليو، ۲۰۱۲؛ نظير و همکاران، ۲۰۱۲؛ شارما، ۲۰۱۲؛ رضایی و چراغی، ۱۳۹۰؛ نجمی و فیضی، ۱۳۹۰؛ رنجبر، رهبری، محتشمی و نصیری اسکویی، ۱۳۹۲) همسو هستند. این پژوهش‌ها تأیید کردند که بین انسجام خانواده و حرمت خود فرزندان و ابعاد آن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در همین راستا، رضایی و چراغی (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود دریافتند که بین انسجام خانواده، مهارت‌های ارتباطی و احترام و قدردانی با حرمت‌خود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش نظیر و همکاران (۲۰۱۲) نیز نشان می‌دهد که اختلاف در روابط زناشویی بر تعامل بین والدین و فرزندان و روابط برادر و خواهر با همدیگر اثر می‌گذارد، باعث کاهش انسجام خانواده، ناامنی شده و فرزندان قادر به ابراز احساسات شادی و غم خود با اعضای خانواده و والدین نیستند. از این رو حرمت‌خود آن‌ها کاهش می‌یابد.

در تبیین این رابطه با توجه به یافته‌هایی که در این تحقیق و در تحقیقات گذشته به دست آمده است، می‌توان ادعا کرد که در خانواده‌های منسجم و سازگار بین پدر و مادر و همچنین والدین و کودک درگیری کم‌تری رخ می‌دهد، فرصت‌هایی به کودک برای عرضه خود در جمع داده می‌شود و به نظرات او در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده اهمیت داده می‌شود و اعضا بیشتر حمایت‌کننده و گرم هستند. هنگامی که کودکان و نوجوانان تقدیر و احترام مثبت از والدین و دیگر اعضای خانواده دریافت می‌کنند، احساس مسئولیت و نزدیکی عاطفی اعضای خانواده را می‌بینند و از طرفی هنگامی که والدین در رویارویی با مسائل مختلف به فرزندان اجازه می‌دهند در تصمیم‌گیری شرکت کرده و نظرات خود را بیان کنند، فرزندان این باور را در خود می‌گنجانند که مهم و مورد پذیرش والدین هستند و اعضای خانواده نسبت به احساسات و خواسته‌های او حساس هستند. بنابراین، قادر به ساخت مفهوم مثبتی از خود می‌شوند. بالعکس، در خانواده‌هایی با انسجام کم و درگیری بالا که کودک مستقیماً شاهد تعارض والدین خویش هست، به مرور نشانه‌هایی از شرم و خجالت، آشفتگی، خودکم‌بینی، خودسرنشگیری و خود نارزنده‌سازی در او بروز می‌کند که خود را مسبب این درگیری‌ها می‌داند. این امر به حرمت‌خود پایین در کودک منجر می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر همچنین حاکی از همبستگی مثبت و معنادار حرمت‌خود با تعامل پدر- فرزند، مادر- فرزند و ابعاد آن‌ها بود. این یافته‌ها با نتایج بسیاری از پژوهش‌های خارجی

و داخلی از جمله (لیدی، گورا و تورو، ۲۰۱۰؛ کوواس، ۲۰۱۰؛ آنایلی و اردور-باکر، ۲۰۱۳؛ موگونا و موگونا، ۲۰۱۴؛ هریس و همکاران، ۲۰۱۵؛ پوپو و ایلسانمی، ۲۰۱۵؛ تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۹۰؛ طاهری، ۱۳۹۰؛ سندي، صالحی، کافی و رضایی، ۱۳۹۱؛ درت‌التاج تهرانی، ۱۳۹۲؛ سلطانی، میرشاه جعفری و شیرانی و اربابی سرجو، ۲۰۱۳) همسو هستند. همه این پژوهش‌ها مؤید آن بودند که ویژگی‌های مطلوب تعامل والد-فرزند با حرمت‌خود بالا همراه است.

مثلاً سندي، صالحی، کافی و رضایی (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان دادند که والدین قاطع و مقتدر، که رابطه گرم و صمیمانه با فرزند خود دارند، پاسخ‌گو هستند، در فعالیت‌های آن‌ها مشارکت و همکاری دارند، همچنین خودمختاری و استقلال فرزند خود را تشویق کرده و به نظرها و عقاید فرزند خود احترام می‌گذارند، به ایجاد حرمت‌خود بالا در فرزندان منجر می‌شوند. در همین راستا، نتایج به دست آمده از تحقیق پوپو و ایلسانمی (۲۰۱۵) نیز حاکی از آن است که کیفیت تعامل والد-فرزند باعث افزایش حرمت‌خود کلی (دختر و پسر) و حرمت‌خود بدنی دخترها می‌شود. کوواس (۲۰۱۰) نیز در رساله خود به این نتایج دست یافت که مشارکت والدین در فعالیت‌های کودک، روابط متقابل (پاسخ کلامی، غیرکلامی و فیزیکی)، همزمانی تعاملی (مدت زمانی که با کودک صرف می‌کند) و ارتباط مثبت (عدم تحقیر، طعنه، تمسخر، اظهار محبت و...) با حرمت‌خود رابطه مثبت و معناداری دارد.

در تبیین این فرضیه با استناد به پژوهش‌های انجام شده و پژوهش حاضر می‌توان گفت که از آنجایی که حرمت‌خود فرزندان بازتابی از قضاوت و نگرش افراد مهم زندگی کودک به‌ویژه والدین است؛ بنابراین، هر کودکی خودش را از منظر نظرات والدین می‌بیند و به ارزشیابی خود اقدام می‌کند. همچنین با توجه به نظریه پذیرش-طرد والدین که بیان می‌کند، گرما و عاطفه مهم‌ترین نیاز فیزیولوژیکی کودک است که از افراد مهم زندگی اش (پدر و مادر) دریافت می‌کند و اگر این نیاز برآورده نشود، به مشکلاتی در رشد روانی و شخصیت کودک منجر می‌شود (انصاری و قریشی، ۲۰۱۳). می‌توان ادعا کرد که کودکان والدینی که به سخنان فرزندان‌شان گوش می‌دهند، به عقاید او احترام می‌گذارند، توجه و محبت نشان می‌دهند، موفقیت‌های آن‌ها را تشویق کرده و اشتباهات و شکست‌های آن‌ها را می‌پذیرند و زمینه مساعد برای بروز توانایی‌ها و قابلیت‌های کودکان و نوجوانان را فراهم می‌کنند، به نوعی احساس

توانمندی، مهم و باارزش بودن می‌کنند. در صورتی که فرزندان از حمایت، محبت، کنترل و مشارکت والدین بهره‌مند نشوند، چنین فردی خود را شایسته دوست داشته شدن و مورد احترام قرار گرفتن نمی‌داند، از بیان افکار، خواسته‌ها و نیازهای خود وحشت دارد، احساس رهاشدگی و معلق بودن می‌کند و در زمان‌های بحرانی زندگی خود پناهگاه امنی را نمی‌یابد. بنابراین، احساس بی‌ارزش بودن به او دست می‌دهد و باعث کاهش حرمت خود او می‌شود. لذا، والدین مهم‌ترین عامل توسعه حرمت خود کودکان محسوب می‌شود.

به منظور بررسی و تعیین پیش‌بینی حرمت خود فرزندان از روی انسجام خانواده و مؤلفه‌های تعامل والد- فرزند، از رگرسیون چندگانه به صورت گام به گام استفاده شد. بر اساس نتایج مندرج در جدول ۳ می‌توان نتیجه گرفت، در تبیین حرمت خود از روی متغیرهای پیش‌بین، مجموع متغیرهای پیش‌بین $R^2 = 0/52$ از واریانس متغیر ملاک را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند؛ یعنی متغیرهای پیش‌بین ۵۲ درصد نمره حرمت خود را تبیین می‌کنند. آمیزش پدرانه ۳۹ درصد، عاطفه مثبت مادر ۱۱ درصد، انسجام خانواده ۱ درصد و خشم پدر نیز ۱ درصد از تغییرات حرمت خود را پیش‌بینی می‌کنند. میزان F مشاهده شده برای متغیرهای پیش‌بین در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که این چهار متغیر به صورت معناداری به پیش‌بینی حرمت خود قادر هستند. بدین ترتیب، یافته‌ها از دومین فرضیه پژوهش حاضر مبنی بر توان پیش‌بینی حرمت خود فرزندان از روی انسجام خانواده و تعامل والد- فرزند حمایت کردند. این یافته‌ها با نتایج بسیاری از پژوهش‌های خارجی و داخلی از جمله (سندی، صالحی، کافی و رضایی، ۱۳۹۱؛ طاهری، ۱۳۹۰؛ آنایلی و اردور- باکر، ۲۰۱۳؛ لیدی، گورا و تورو، ۲۰۱۰؛ بلاتنر، لیانگ، لوند و اسپنسر، ۲۰۱۳؛ حسن‌زاده و یوسفی، ۱۳۹۰؛ تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۹۰؛ طاهری، مهدویان و فراهنی، ۱۳۹۰؛ کوواس، ۲۰۱۰ و هریس و همکاران، ۲۰۱۵) همسو است. همسویی بین یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور بیان‌کننده آن است که تعامل مثبت فرزندان با مادر و همچنین تعامل مثبت فرزندان با پدر پیش‌بینی‌کننده حرمت خود بالاتر فرزندان است.

در همین راستا، طاهری، مهدویان و فراهنی (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان دادند که رابطه مثبت نوجوان با مادر و همچنین رابطه مثبت نوجوان با پدر پیش‌بینی‌کننده حرمت خود بالاتر نوجوان است. همچنین، هریس و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود مطرح کردند که کیفیت

تعامل والد-فرزند یعنی توجه، علاقه، احترام و قدردانی، نزدیکی، گرما و پشتیبانی والدین از کودک پیش‌بینی‌کننده حرمت‌خود مثبت در طی زمان است.

در تبیین این رابطه با استناد به پژوهش‌های قبلی می‌توان گفت که حرمت‌خود یک ساختار یا اکتساب صفت است که افراد چگونگی شایستگی و ارزشمند بودن را ابتدا از والدین خود می‌آموزند. بنابراین، تقویت آن به دیگران مهم اطراف کودک به‌ویژه پدر و مادر بستگی دارد (بایزیت، ۲۰۱۴). پدر و مادر احساس نگرانی، عشق، امنیت، اعتماد، درک و احترام را از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی به فرزندان خود انتقال می‌دهند. بنابراین، پاسخی که والدین نسبت به عملکرد کودک می‌دهند، بر حرمت‌خود کودک تأثیر می‌گذارد. به‌طوری که در تعاملات گرم و صمیمانه والد-فرزند، والدین افزون بر اینکه گرم و با محبت هستند، کودکان خود را به طرف استقلال سوق می‌دهند، به حمایت و پشتیبانی فرزند خود اقدام می‌کنند و به او عشق بی‌قید و شرط می‌ورزند. استقلال عمل همراه با حمایت و پذیرش کودک، زمینه لازم را برای شناخت و کسب احساس خود ارزشمندی و تأیید کودک فراهم می‌آورد. بنابراین، کودک در الگوهای فعال‌سازی درونی خود به این نتیجه شناختی می‌رسد که خودش ارزشمند هست و ارزش دوست داشته شدن را دارد و والدین هم افرادی حمایت‌کننده و پاسخ‌گو هستند که به او اهمیت می‌دهند و نیازهای او را ارضا می‌کنند. بنابراین، یک حس مثبت نسبت به ارزش‌خود می‌یابد که به افزایش حرمت‌خود او منجر می‌شود.

یافته‌های جدول ۳ همچنین حاکی از توان پیش‌بینی‌کنندگی مثبت حرمت‌خود از روی انسجام خانواده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های (راهجویان، ۱۳۹۲؛ رجایی چالشتری، ۱۳۸۹؛ تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۹۰؛ لیدی، گورا و تورو، ۲۰۱۰، نظیر و همکاران، ۲۰۱۲ و اسپسیگو و دل آگلیو، ۲۰۱۲) همسو است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انسجام خانوادگی از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معناداری برای حرمت‌خود بهره‌مند است.

در این راستا رجایی چالشتری (۱۳۸۹) در رساله خود تحت عنوان بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر حرمت‌خود و شادکامی فرزندان به این نتیجه دست یافتند که انسجام خانوادگی از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معناداری برای حرمت‌خود بهره‌مند است. همچنین، یافته‌های پژوهش اسپسیگو و دل آگلیو (۲۰۱۲) نشان داد که انسجام، تعارض، بیانگری و پشتیبانی خانواده با حرمت‌خود رابطه معناداری دارند و

پیش‌بینی‌کننده آن هستند. به طوری که وقتی تعهد در خانواده، پشتیبانی، بیانگری (بیان آزادانه احساسات و عقاید) و استقلال در سطح بالایی باشد و درگیری و کنترل شدید در سطح پایینی باشد، حرمت‌خود فرزندان بالا است. در میان این عوامل پیش‌بینی‌کننده، نقش انسجام خانواده در پیش‌بینی حرمت‌خود فرزندان قوی‌تر است.

در تبیین این فرضیه می‌توان این‌گونه استنباط کرد که، افراد مهم (والدین، خواهر و برادر، همسالان و دیگر افراد مهم شخص) مانند آینه‌های اجتماعی هستند که فرد را در جهت ارزیابی خود، یعنی تشخیص عقایدی که نسبت به خود دارد و درونی شده‌اند کمک می‌کنند و به شکل‌گیری حرمت‌خود منجر می‌شود (اسبسیگو و دل آگلیو، ۲۰۱۲). از طرفی مهم‌ترین منبع محافظت، حمایت و عملکرد مناسب خانواده است. از این رو، در تشکیل حرمت‌خود، تجربه‌های کودک از زندگی با خانواده نقش جالب‌توجهی ایفا می‌کند. وقتی کودک در محیطی پرتنش و بدون انسجام خانواده زندگی کند و از تجربه زندگی خود با اعضای خانواده ناراضی و ناخشنود باشد، آن را تهدیدکننده و خطرناک می‌بیند و نگران آن است که دوست داشته شود یا ترک شود. بنابراین، یک جهان‌بینی منفی را رشد می‌دهد و این خود باعث رشد حرمت‌خود منفی در کودک می‌شود، ولی در خانواده‌های منسجم که حامی و سازگار در رفتار خود هستند، تمایل بیشتری به گفتگو و اظهارنظر وجود دارد، حمایت و درک متقابل بین اعضا وجود دارد، اعضا نگرانی‌ها و نیازهای خود را آزادانه بیان می‌کنند، حاضر به مذاکره و حل مشکلات هستند و درگیری کم‌تر و نگرانی بیشتر برای همدیگر دارند، چنین محیطی احساس امنیت را در کودکان ایجاد می‌کند، فرزندان احساس می‌کنند والدین و اعضای خانواده به آن‌ها اهمیت می‌دهند، آن‌ها را درک می‌کنند و برای آن‌ها ارزش قائل هستند، این امر سبب افزایش حرمت‌خود آن‌ها می‌شود. چنین خانواده‌هایی بهتر نیازهای روحی و روانی اولیه کودک (تعلق و امنیت) را فراهم می‌کنند. بنابراین، هدایت و حمایت خانواده نقش مهمی در رشد حرمت‌خود کودک ایفا می‌کند.

با توجه به بررسی مطالعات پیشین و یافته‌های پژوهش حاضر نشان داده شده است که حرمت‌خود پایین بیشتر در میان خانواده‌هایی با تعامل والد- فرزند و انسجام خانوادگی کم وجود دارد. بنابراین، مهم است که برنامه‌هایی به منظور برقراری تعامل قوی برای هر دو والد تسهیل شود تا عوامل مؤثر بر انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند در مسیر پیش‌رونده تغییر

داده شود و کودکان بتوانند از ارتباط و حمایت خانوادگی بهره‌مند شوند. تنها با درک این ضرورت از سوی والدین است که می‌توانیم به تحقق جامعه‌ای سالم، پویا و پر از مهر و محبت امیدوار باشیم. والدین آینده‌نگر می‌بایست سطح آگاهی خود را نسبت به واقعیت‌های روز جهان، ارتقاء داده و با در نظر گرفتن نکته‌های ویژه تربیتی، روش و منشی را در قبال فرزندان در پیش بگیرند که متناسب با شرایط روز جامعه بوده و کارایی لازم را داشته باشد و به‌طور ناخواسته نتیجه معکوس ندهد. از این رو مسئولان سازمانی باید برای این مقصود تلاش کنند. به نظر می‌رسد که کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزش معلمان و مربیان، کارگاه‌های آموزشی برای آموزش والدین به جهت اینکه والدین بدانند که سطح حرمت‌خود کودکان و نوجوانان تحت تأثیر تعامل آن‌ها با فرزندان و انسجام خانواده است و نیز توسعه یک برنامه آموزشی یکپارچه برای شناخت نیازها و راه‌های تعامل مناسب با کودکان و نوجوانان در بهبود حرمت‌خود آسیب دیده مؤثر واقع شود.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود. از جمله اینکه پژوهش بر روی گروهی از دانش‌آموزان دختر مقطع پنجم ابتدایی شهر ساری انجام شد که در خانواده‌های هسته‌ای زندگی می‌کردند. از این رو نتایج حاصل را نمی‌توان به کودکان و نوجوانان پسر و کسانی تعمیم داد که در دیگر اشکال خانواده‌ها (خانواده تک‌والد، گسترده، طلاق و ازدواج مجدد والدین و ...) زندگی می‌کنند. از این رو پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه این پژوهش در میان دانش‌آموزان پسر و بر روی نمونه متنوع‌تر از دیگر اشکال خانواده‌ها انجام و یافته‌های آن با یافته‌های حاضر مقایسه شود. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر آنکا به داده‌های حاصل از پرسشنامه خود گزارش‌دهی (در این پژوهش از سه پرسشنامه خودگزارش‌دهی استفاده شد) بود که در این سبک جمع‌آوری اطلاعات، شرکت‌کننده احتمالاً در بیان هیجان‌ها و شناخت‌های خود دشواری خواهد داشت. علاوه بر این، ممکن است پاسخ‌ها تا حدی تحت تأثیر مطلوبیت اجتماعی قرار گرفته باشند که بر نتایج تأثیر می‌گذارد و نتایج آن به پژوهش‌هایی تعمیم‌پذیر نیست که از ابزار دیگر استفاده کرده‌اند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای افزایش قدرت آماری و قابلیت اطمینان از یافته‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های دیگر چون مصاحبه یا مطالعه کیفی استفاده شود.

منابع

- امیری، فاطمه، حسن آبادی، حسین، اصغری نکاح، سیدمحسن و طیبی، زهرا (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد-کودک بر سبک‌های فرزندپروری، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۴): ۴۸۹-۴۷۳.
- پوپ، آ، مک هیل، س. و کریهد، ادوارد (۱۳۹۱). افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان. ترجمه پریسا تجلی، تهران: رشد.
- تجلی، پریسا (۱۳۷۵). بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی و نرم یابی آزمون حرمت‌خود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- تنهای رشوانلو، فرهاد و حجازی، الهه (۱۳۹۰). درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی پدر و مادر: پیش‌بینی‌کننده‌های حرمت‌خود نوجوانان، مجله علوم رفتاری، ۵، ۳۵۰-۳۴۳.
- ثنایی، باقر، علاقبند، ستیلا و هومن، عباس (۱۳۸۸). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت
- چراغی، مهرداد و رفاهی، ژاله (۱۳۸۸). رابطه بین جو عاطفی خانواده و خلأقیّت دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهر زرقان، همایش منطقه‌ای روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، دانشگاه فیروزآباد.
- حسین‌خانزاده، عباس، طاهر، محبوبه، سیدنوری، سیده زهرا، یحیی‌زاده، آیدا و عیسی‌پور، مهدی (۱۳۹۲). رابطه شیوه تعامل والد- فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان. فصلنامه اعتیاد پژوهشی سوء مصرف مواد، ۷(۲۸): ۷۴-۵۹.
- درت‌التاج تهرانی، فرشته‌السادات (۱۳۹۲). کیفیت رابطه ولی- فرزند و ارتباط آن با سازگاری، عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی در نوجوانان دختر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده)، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- راهجویان، وحید (۱۳۹۲). بررسی رابطه عملکرد خانواده با پرخاشگیری و عزت‌نفس دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی شهرستان نی ریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

رجایی چالشتی، سهیلا (۱۳۸۹). بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر حرمت‌خود و شادکامی فرزندان در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه راهنمایی و مشاوره (منتشر نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

رضایی، آذرمیدخت و چراغی، ساناز (۱۳۹۰). نقش عملکرد خانواده در پرخاشگری و حرمت‌خود نوجوانان، دومین همایش ملی روان‌شناسی - روان‌شناسی خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

رنجبر، فرح‌دخت، رهبری، شهرروز، محتشمی، جمیله و نصیری اسکوتی، نویده (۱۳۹۲). بررسی همبستگی بین فرایندهای خانواده و حرمت‌خود بیماران افسرده، روان‌پرستاری، ۴، ۶۶-۷۳.

سندی، فاطمه، صالحی، ایرج، کافی، موسی و رضایی، سجاد (۱۳۹۱). رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های هویت با حرمت‌خود در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۲(۲): ۴۱-۵۶. شاملو، سعید (۱۳۹۲). بهداشت روانی. تهران: رشد.

شاملو، سعید (۱۳۹۲). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: رشد. طاهری، منصوره (۱۳۹۰). رابطه بین سازگاری زناشویی والدین و رابطه والد-فرزند با حرمت‌خود و مهارت‌های اجتماعی نوجوان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی - خانواده درمانی (منتشر نشده)، دانشگاه علم و فرهنگ.

طاهری، منصوره، مهدویان، علی‌رضا و فراهتی، مهرزاد (۱۳۹۰). تأثیر رابطه والد-فرزند بر عزت‌نفس نوجوانان، دومین همایش ملی روان‌شناسی - روان‌شناسی خانواده، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

نجمی، سیدبدرالدین و فیضی، آوات (۱۳۹۰). بررسی رابطه ساختاری کارکرد خانواده و عزت‌نفس با پیشرفت تحصیلی در دختران دبیرستانی، فصلنامه پژوهشی نوین روان‌شناختی، ۶(۲۲): ۱۰۳-۱۲۶.

Ansari, B., & Qureshi, S. S. (2013). Parental Acceptance and Rejection in Relation With Self Esteem in Adolescents. *Contemporary Research in Business*, 4, 552-557.

- Carnes- Holt, k. (2012). Child- parent relationship therapy for adoptive families. *Family Journal*, 4, 419- 426 .
- Dennis, J. M., Basanez, T., & Farahmand, A. (2010). Intergenerational conflicts among Latinos in early adulthood: Separating values conflicts with parents from acculturation conflicts. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 32(1):118-135.
- Falkenbach, D. M., Howe, J. R., & Falki, M. (2013). Using self-esteem to disaggregate psychopathy, narcissism, and aggression. *Personality and Individual Differences*, 54, 815-820.
- Gohnson, G., Kent, G., & Leather, G. (2005). Strengthening The Parent-Child Relationship: A Review of Family Interventions and Their use in Medical Settings. *Child: Care, Health and Development*, 31(1): 25-32.
- Harris, M. A., Gruenenfelder-Steiger, A. E., Ferrer, E., Donnellan, M. B., Allemand, M., Fend, H., ... Trzesniewski, K. H. (2015). Do Parents Foster Self-Esteem? Testing the Prospective Impact of Parent Closeness on Adolescent Self-Esteem. *Child Development*, 86(4): 995-1013.
- Heaven, P., & Ciarrochi, J. (2008). Parental styles, gender and the development of hope and self-esteem. *European Journal of Personality*, 22, 707-724.
- Heiman, T., Zinck, L., & Heath, N. (2008). Parents and youth with learning disabilities perceptions of relationships and communication. *Journal of Learning Disabilities*, 41, 524-534.
- Hoffman, J. (2011). Father Factors What Social Science Research Tells Us About Fathers and How to Work With Them. *Father Involvement Research Alliance (FIRA)*, <http://www.fira.ca/documents/211/FatherFactors>.
- Kovacs, S. M. (2010). The Role of Mother-Child Relationship Quality in the Link Between Maternal Psychological Control and Internalized Maladjustment in Early Adolescence. Doctoral Dissertation, University of Maryland (College Park, Md.).
- Kroner-Herwig, B., Maas, J., & Reckling, P. (2014). Self-Esteem in a German Population Sample of Children and Adolescents: Association with Demographic and Psychosocial Variables. *Journal of Child & Adolescent Behavior*, 2, 158-168.
- Leidy, M. S., Guerra, N. G., & Toro, R. I. (2010). Positive Parenting, Family Cohesion, and Child Social Competence among Immigrant Latino Families. *Journal of Family Psychology*, 24, 252-260.
- Lian, T., & Yusooof, F. (2009). The effects of family functioning on self-esteem of children. *European Journal of Social Sciences*, 9, 643-650.
- Mogoneaa, F. R. & Mogoneab, F. (2014).The role of the family in building adolescents' self-esteem. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 127, 189 – 193.
- Nazir, S., Sidra, S., Malik, M. S., Falak, S., Zarqa, A., Muhammad Rizwan, S. (2012). Parental Conflict And Its Effects On Youth Self Esteem (A Study At University Of Punjab). *International Journal of Asian Social Science*, 9, 1392-1400.

- Onayli, S., & Erdur-Baker, O. (2013). Mother-daughter Relationship and Daughters Self Esteem. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84, 327-331.
- Pei, M. (2011). *The Relation between Parent-Child Attachment, Child-Rearing Behaviors, and Aggression in Childhood and Adolescence*. Master's Thesis, The Faculty of Arts and Sciences- Department of Psychology, Brandeis University.
- Peixoto, F., & Almeida, L. S. (2010). Self-concept, self-esteem and academic achievement: strategies for maintaining self-esteem in students experiencing academic failure. *European Journal of Psychology of Education*, 25(2): 157-175.
- Popov, L. M., & Ilesanmi, R. A. (2015). Parent-Child Relationship: Peculiarities and Outcome. *Review of European Studies*, 7, 253- 263.
- Rajkumar, R. (2014). Is low self-esteem a risk factor for depression among adolescents? an analytical study with interventional component. *International Journal of Medical Research & Health Sciences*, 3, 627-633.
- Runcan, P. L., Constantineanu, C., Ielics, B. & Popa, D. (2012). The role of communication in the parent- child interaction. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46, 904-908.
- Sbicigo, B., & Dell'Aglio, D. D. (2012). Family environment and psychological adaptation in adolescents. *Academic Journal*, 25(3): 18- 23.
- Sharma, A. (2012). Aggressive Behavior in University Students: The Role of Family Environment. *Advances in Asian Social Science*, 3, 622-628.
- Soltani, L., MirshahJaafari, E., Shirani, N., Arbabisarjou, A. (2013). The Relationship between Children's Self-Esteem and Parents' Educational Level. *International Journal of Academic Research in Progressive Education and Development*, 2(3): 11- 21.
- Turkashvand, R., Kermanshahi, S., & Azadfalsh, P. (2011). The effect of educational group therapy plan on self-esteem rate in adolescent girls. *Zahedan journal of Research in Medical Sciences*, 13(3): 4-30.
- White, J., Shelton, K. H. & Elgar, F. J. (2014). Prospective Associations Between the Family Environment, Family Cohesion, and Psychiatric Symptoms Among Adolescent Girls. *Child Psychiatry & Human Development*, 45, 544- 554.
- Wild, L. G., Flisher, A. J. & Lombard, C. (2004). Suicidal ideation and attempts in adolescents: Associations with depression and six domains of self-esteem. *Journal of adolescence*, 27, 611-624.

The Role of Family Cohesion and Parent-Child Interaction in Students' Self-esteem

Abbasali Hosein Khanzadeh¹

Associate professor, Faculty of Psychology, University of Guilan, Rasht, Iran

Fereshteh Mirzaei Kootanaei

MA in Psychology, University of Guilan, Rasht, Iran

Abstract:

The aim of the present research was to investigate the role of family cohesion and parent-child interaction in the self-esteem of students. The population of this correlational research included all female students studying in the fifth grade of public primary schools in Sari in the academic year of 2014-2015. A sample of 254 students were selected through cluster random sampling out of this population. To collect the data, family cohesion scale (Samani, 1381), Child-Parents Relationship Inventory (fine, Moreland & Schwbe 1987) and self-esteem scale (Pope, 1988) were used. The results of correlation analysis showed that there was a significant positive correlation between family cohesion ($r = .44, p < .001$) and parent-child interaction ($r = .71, p < .001$) and its dimensions with self-esteem of students. The results of regression analysis showed that family cohesion and parent-child interaction could predict 52 percent of students' self-esteem. Therefore, it is vital for parents to learn about the importance of family cohesion and the positive influence of favorable and constructive interactions on their children mental and personal health so that they can prevent many negative consequences of their children's reduced self-esteem.

Keywords: Family cohesion, Parent-child interaction, Self-esteem

1. abbaskhanzade@gmail.com

DOI: 10.22051/jontoe.2017.14031.1673

Received: 2017/5/2

Accepted: 2017/10/5